

جهان‌شهر

چهارشنبه

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲

شماره ۴۰۳۶

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

۱۴

تحلیل پژوهشگر ارشد مدرسه علوم سیاسی پاریس از جنگ اخیر:

ساختار حماس باقی‌می‌ماند

سجاد عطازاده مترجم

لیلاسبورات، مدرس مدرسه علوم سیاسی پاریس و پژوهشگر غرب آسیا، در مقاله «هدف حماس از غزه، راهبرد منتج به جنگ و معنای آن برای آینده» که در وب سایت فارن آفرز منتشر شده است، به سیر تحول رهبری حماس و قدرت‌گیری نیروهای نزدیک به شاخه نظامی حماس و محور مقاومت در این سازمان پرداخته است. اگرچه بعضاً ادعاهای نادرستی نیز در این مقاله به چشم می‌خورد، اما مهم‌ترین نکته مطرح شده در آن تایید عدم موفقیت رژیم صهیونیستی در حمله به غزه و موفقیت حماس در حفظ ساختار خود است.

□ □ □

از میان بسیاری از جنبه‌های قابل توجه حمله ۷ اکتبر حماس علیه اسرائیل، یکی از مواردی که چندان مورد توجه قرار نگرفته است، «موقعیت مکانی» این حمله است. در بسیاری از سال‌های دهه گذشته، نوار غزه دیگر میدان نبرد اصلی مقاومت فلسطین به شمار نمی‌رفت. تهاجمات مکرر ارتش اسرائیل به غزه، از جمله عملیات نزدیک به دو ماهه «تیغه حفاظتی» در سال ۲۰۱۴، حماس را در موضع دفاعی قرار داده بود. به علاوه، دفاع موشکی پیشرفته اسرائیل هم سبب شده بود تا حملات موشکی حماس تا حد زیادی بی‌اثر شود. محاصره غزه هم سبب انقطاع این منطقه از سایر نقاط جهان شده بود. در مقابل، کرانه باختری یک میدان درگیری آشکارتر به شمار می‌رفت. کرانه باختری – و اماکن مقدس واقع در اورشلیم – به دلیل گسترش شهرک‌ها و تهاجمات مکرر سربازان و شهرک‌نشینان اسرائیلی به روستاهای فلسطینی، توجه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب می‌نمودند. برای حماس و دیگر گروه‌های ستیزه‌جو، کرانه محل مناسب‌تری برای مقاومت مسلحانه ملی‌گرایان فلسطینی بود. به نظر می‌رسید که اسرائیل هم چنین باوری دارد زیرا در آستانه ۷ اکتبر، نیروهای اسرائیلی مشغول زیر نظر گرفتن فلسطینیان در کرانه باختری بودند؛ با این فرض که جز شلیک گاه به گاه راکت، خطری از جانب غزه آنها را تهدید نمی‌کند.

مرکزیت مجدد غزه سوالات مهمی را درباره رهبری ارشد حماس ایجاد کرده است. پیش از این، تصور می‌شد که حماس عمدتاً از خارج از قلمرو غزه و توسط رهبران واقع در امان، دمشق و دوحه اداره می‌شود اما این ادراک مدت‌ها است که منسوخ شده است. حداقل از سال ۲۰۱۷، یعنی زمانی که یحیی سنوار رهبری حماس را در غزه به دست گرفت، حماس دستخوش یک تغییر سازمانی و حرکت به سمت خود غزه شده است. سنوار در کنار کسب خودمختاری بیشتر برای غزه از رهبران خارجی حماس، رهبری احیای راهبردی حماس، به عنوان یک نیروی جنگی در غزه را نیز برعهده داشته است. هدف او به‌ویژه انجام اقدامات تهاجمی علیه اسرائیل و اتصال غزه به مبارزات بزرگ فلسطینی‌ها بوده است. در عین حال، او راهبردهای حماس را با تحولات در کرانه باختری اوروشلیم، از جمله تنش‌های فرآینده حول مسجدالاقصی، هماهنگ کرده است. در واقع، محاصره اسرائیل به‌طور متناقضی به جای منزوی کردن غزه، به بازگرداندن این سرزمین به مرکز توجه جهان کمک کرده است.

مسیری از دمشق

حماس به‌عنوان یک سازمان سیاسی و نظامی دارای چهار مرکز قدرت است: غزه، کرانه باختری، زندان‌های اسرائیل؛ جایی که بسیاری از شخصیت‌های ارشد حماس در آن به سر می‌برند – و بیرون؛ «رهبری آن در خارج از غزه. از این چهار مرکز، رهبری خارجی که دفتر سیاسی حماس را اداره می‌کند، عموماً بر ابعاد سیاسی تسلط داشته است. در سال ۱۹۸۹، در جریان انتفاضه اول، اسرائیل حماس را سرکوب کرد و رهبران این جنبش را مجبور به فرار به اردن، لبنان و سوریه نمود. در حوالی سال ۲۰۰۰، دمشق به مقر اصلی حماس تبدیل شد. این رهبران از جایگاه خارج از غزه، کنترل شاخه نظامی حماس، موسوم به گردان‌های قسام را در دست داشتند. آنها همچنین فرآیندهای دیپلماتیک را با رهبران خارجی جلو می‌بردند و از مساعدهت‌های طیفی از کمک‌کنندگان خارجی، از جمله انجمن‌های خیریه، کنشگران خصوصی و ایران (پس از آغاز روند صلح مادرید و اسلو) بهره می‌بردند. در این سال‌ها، رهبران بیرونی بر حماس مسلط بودند. حتی برخی از آنها مانند خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس، هم در تبعید بزرگ شده بودند. مشعل و دیگر رهبران دفتر سیاسی حماس از امان و بعد از از دمشق تصمیم به جنگ و صلح می‌گرفتند و گردان‌های قسام در سرزمین‌های فلسطینی، حتی اگر با دستورات آنها مخالف بودند، باید براساس تصمیمات ایشان عمل می‌کردند.

ان‌تفوق رهبران خارجی حماس به تدریج پس از ترور شیخ یاسین، رهبر معنوی این جنبش، توسط اسرائیل در غزه در سال ۲۰۰۴ رنگ باخت. عوامل متعددی سازمان مستقر غزه را قادر ساخت تا نفوذ بیشتری به دست آورد. یکی از این عوامل پیروزی حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶ و تشکیل دولت توسط آن بود؛ هم قبل و هم پس از به دست گرفتن کنترل نوار غزه در ژوئن ۲۰۰۷. هنگامی که اسرائیل محاصره غزه را تقویت کرد، رهبران داخلی حماس موفق شدند با استفاده از تجارت از طریق شبکه مخفیانه تویل‌های خود درآمد کسب کنند و بنابراین وابستگی سازمان در غزه به حمایت «دیاسپورا» کاهش یافت.

بهار عربی به‌طور کلی و قیام سوریه به‌طور خاص حرکت رهبری حماس به سمت داخل غزه را تسریع کرد. در آغاز جنگ داخلی سوریه، رهبران این گروه که در دمشق مستقر بودند سعی در میانجیگری میان رژیم سوریه و شورشیان سنی داشتند. در عین حال، آنها دستورات ایران برای نشان دادن حمایت بی‌قید و شرط از بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را رد کردند و در فوریه ۲۰۱۲ در نهایت تصمیم به ترک این کشور گرفتند. موسی ابومرزوق معاون دفتر سیاسی، در قاهره مستقر شد و مشعل نیز به دوحه رفت و در آنجا از ایران و حزب‌الله که به رژیم اسد کمک می‌کردند، به شدت انتقاد کرد. ایران نیز در پاسخ حمایت مالی خود از حماس را رد و در مرحله به تعلیق درآورد؛ در تابستان ۲۰۱۲ و در مه ۲۰۱۳، مقطع دوم همان زمانی بود که گردان‌های قسام در نبرد قصیر با نیروهای رژیم سوریه و حزب‌الله جنگیدند. ایران کمک‌های اقتصادی خود به حماس را به نصف کاهش داد و از ۱۵۰ میلیون دلار به کمتر از ۷۵ میلیون دلار در سال رساند. این تنش‌ها هم‌راه با پرکندگی رهبران، سازمان خارجی حماس را تضعیف کرد. غازی حمد، یکی از اعضای ارشد حماس در مصاحبه با من در مه ۲۰۱۳ در غزه اظهار داشت: «خروج از سوریه به رهبری غزه کمک زیادی کرد. من نمی‌گویم رهبران واقع در غزه از رهبران خارج از غزه پیشی گرفته‌اند اما اکنون موازنه بیشتری بین این دو وجود دارد.» قابل توجه است که با وجود گسست ایجاد شده بر سر سوریه با ایران، رهبری داخل غزه توانست پیوندهای قوی خود با ایران را حفظ کند. این امر به‌ویژه در مورد اعضای ارشد گردان‌های قسام مانند مروان عیسی، معاون فرمانده شاخه نظامی حماس در غزه که در هر موقعیت ممکن به تهران سفر می‌کرد، صدق می‌نمود.

استقلال فرآینده سازمان نظامی حماس در پرونده گیلعاد شلیط، سرباز اسرائیلی که در سال ۲۰۰۶ ربوده شده و به غزه برده شد، نیز مشخص بود. این



احمد الجعبري، فرمانده وقت گردان‌های قسام بود که دستور دستگیری شلیط را صادر کرد و به همراه حمد، دست به مذاکره بر سر آزادی او در سال ۲۰۱۱ زد. براساس توافق حاصل از این مذاکرات، این سرباز اسرائیلی در ازای ۱۰۲۷ اسیر فلسطینی که در زندان‌های اسرائیل به سر می‌بردند آزاد شد. بسیاری از فلسطینی‌ها این اقدام را یک پیروزی بزرگ برای حماس در غزه می‌دانستند. اسرائیل یک سال بعد الجعبري را ترور کرد و یک حمله نظامی جدید علیه نوار غزه به نام عملیات «سکون دفاعی» را آغاز کرد. در همین حال، عملیات‌های نظامی مکرر اسرائیل در غزه نقش خود را در تقویت نفوذ گردان‌های قسام ایفا نمود. این جنگجویان که در خط مقدم جبهه غزه قرار داشتند، می‌توانستند برخلاف رهبری خارجی که به‌طور فرآینده‌ای به حاشیه رانده شده بود، نقش محوری در مبارزه با اسرائیل داشته باشند. با توجه به اهمیت روزافزون این گردان‌ها، سه تن از اعضای آن در سال ۲۰۱۳ به عضویت دفتر سیاسی حماس درآمدند و همین مساله به شاخه مسلح حماس نقشی جدید و مستقیم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی داد.

با ادامه محاصره، غزه به‌عنوان یک سرزمین نمادین و محل ایثار نیز اهمیت پیدا کرد. رهبران سیاسی حماس هم برای تقویت مشروعیت خود باید به این مساله اذعان می‌کردند. مثلاً خالد مشعل که در آن زمان نامزد انتخاب مجدد به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس بود، در سال ۲۰۱۲ برای بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس حماس، برای اولین بار وارد غزه شد و در سخنرانی خود از خون شهدا ایثار مادران غزه «ابدی» سخن گفت. او اظهار داشت: «من می‌گویم که به اینجا، به غزه باگزشته‌ام، حتی اگر [در حقیقت این] اولین بار باشد که اینجا هستم؛ زیرا غزه همیشه در قلب من بوده است.» اما در سال‌های پس از ۲۰۱۷ بود که غزه به‌طور فرآینده‌ای در مرکز رهبری ارشد حماس قرار گرفت. در آن سال، اسماعیل هنیه که پیش از این رهبری حماس در غزه را برعهده داشت، به جای مشعل به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی این گروه انتخاب شد. این اقدام راه را برای تقویت روابط بین حماس و ایرانی‌ها که اکنون مستقیماً با کنشگران واقع در داخل سرکوبار داشتند، تقویت کرد. هنیه در نهایت به دلایلی متعدد،ی، از جمله مشکلات سفر به غزه که به حسن‌نیت مصر بستگی داشت، در دسامبر ۲۰۱۹ به دوحه نقل مکان کرد اما خروج هنیه همچنین نشان‌دهنده به قدرت رسیدن سنوار در غزه بود؛ فرمانده نظامی سابق حماس که در نفوذ پا به پای هنیه پیش می‌رفت.

تسلیح مجدد مقاومت

سنوار یک شخصیت مهم در تأسیس شاخه نظامی حماس در دهه ۱۹۸۰ به شمار می‌رود. او سپس ۲۲ سال را در زندان‌های اسرائیل گذراند و در آنجا به تشکیل رهبری حماس کمک کرد. سنوار در اکتبر ۲۰۱۱ به‌عنوان بخشی از معامله شلیط آزاد شد. او دیدگاهی پویا و فعال درباره مبارزه مسلحانه فلسطین دارد؛ از منظر او، تنها نیروی تهاجمی و ابراز قدرت می‌تواند راه را برای مذاکرات عادلانه‌تر با اسرائیل هموار کند. پس از تبدیل شدن به رهبر حماس در غزه، سنوار شروع به عملی کردن دیدگاه‌های خود نمود. او به دنبال استفاده از کنترل حماس بر نوار برای گرفتن امتیازات بیشتری از اسرائیل بود و به گسترش گردان‌های قسام ادامه داد. تحلیلگران تخمین می‌زنند که تعداد رزمندگان این گروه از کمتر از ۱۰ هزار نفر در دهه اول قرن جاری، اکنون به ۳۰ هزار یا بیشتر افزایش یافته است.

در دهه‌های اخیر، حماس، تنها احمد یوسف، مشاور سابق هنیه، رسماًنسبت به انتصاب سنوار ابراز تردید کرد. یوسف نگران این بود که قدرت تصمیم‌گیری بیش از حد به سرزمین‌های فلسطینی منتقل می‌شود و احساس می‌کرد که رهبری خارجی باید همچنان اولویت داشته باشد. او همچنین نگران این بود که روابط نزدیک سنوار با جناح مسلح حماس بتواند علیه خود این گروه کارساز شود. یوسف معتقد بود که این امر می‌تواند بهانه دیگری را برای اسرائیلی‌ها فراهم کند تا غزه را صرفاً به‌عنوان بستری برای پرورش تروریسم اسلام‌گرا در نظر بگیرند. اما سنوار به‌نزدی ثابت کرد که می‌تواند به نتیجه مطلوب دست یابد. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و با سازماندهی تظاهرات «راهپیمایی‌های بازگشت» در مرزهای با اسرائیل، توانست به کاهش نسبی محاصره اعمال شده از سوی تل‌آویو دست یابد. حماس به سرعت از این تظاهرات هفتگی که ده‌ها هزار نفر از مردم غزه را برای اعتراض به محاصره به مرزها کشانده استفاده کرد و موشک‌ها و بالن‌های آتش را به سمت اسرائیل روانه کرد. در پاسخ به این راهبرد فشار، اسرائیل در نهایت به مجموعه‌ای از توافقات رضایت داد که امکان بازگشایی محدود چندین گذرگاه مرزی و همچنین افزایش کمک مالی قطر به غزه برای پرداخت حقوق کارمندان دولت را فراهم می‌کرد. با این حال، بسیاری از فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری همچنان نسبت به حماس بدبین بودند و حماس را متهم می‌کردند که از آن راهپیمایی‌ها برای منحرف کردن انتقادات فرآینده از حاکمیت خود استفاده می‌کند و تنها برای دفاع از منافع خود در غزه دست به استفاده از زور و قدرت می‌زند.

در سال ۲۰۲۱، سنوار از یک فرصت استفاده کرد تا مشکل اعتبار حماس را حل کند. در آن زمان، اسرائیل سرکوب خشونت‌آمیز فلسطینی‌هایی را که به اخراج



هموطنان خود از خانه‌هایشان در محله شیخ جراح در بیت‌المقدس شرقی اعتراض داشتند. آغاز کرده بود. در ۲۰ مه، پس از صدور اولتیماتوم، گردان‌های قسام هزاران راکت به سمت اشدود، عسقلان، بیت‌المقدس و تل‌آویو شلیک کردند. اسرائیلی‌های عرب‌تبار نیز در بسیاری از شهرهای اسرائیل به‌طور خودجوش برای همبستگی با فلسطینی‌های بیت‌المقدس قیام کردند و حماس را قادر ساختند تا با فلسطینی‌های خارج از غزه دوباره ارتباط برقرار کند و خود را به‌عنوان محافظ شهر مقدس معرفی کند. از آن زمان، هر زمان که فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس یا کرانه باختری تظاهرات می‌کنند، نام ابوعبیده، سخنگویی گردان‌های قسام در شعارها سر داده می‌شود.

نکته قابل توجه این است که ارتباط روزافزون رهبری غزه با فلسطینیان خارج از غزه اندکی پس از عادی‌سازی روابط بحرین، مراکش و امارات متحده عربی با اسرائیل شد صورت گرفت. این کشورهای عربی با ورود به این توافقات – موسوم به توافقنامه ابراهیم – که با میانجیگری ایالات متحده حاصل شده بودند، در واقع اعلام کردند که علی‌رغم دورنمای احتمالی الحاق کامل کرانه باختری توسط اسرائیل به خاک خود، آماده برداشتن چنین گامی هستند. برای فلسطینی‌ها این امر به‌عنوان یک خیانت تلقی می‌شد. بنابراین، در لحظه‌ای که کشورهای عربی این پیام را ارسال می‌کردند که دیگر از فلسطینی‌ها دفاع نخواهند کرد، حماس در غزه در حال دفاع از کرانه باختری و بیت‌المقدس بود. از سال ۲۰۲۱، حماس همچنین در همبستگی با فلسطینی‌ها علیه تهدیدهای فرآینده اسرائیل ضد مسجدالاقصی، نماد میر فلسطینیان، اقدام کرده است. عملیات ۱۷ اکتبر حماس هم – که آن را طوفان الاقصی می‌نامد – بخشی از همین منطق استفاده از نیروی تهاجمی برای دفاع از سرزمین‌های فلسطینی به‌عنوان یک کل است. قابل توجه است که به نظر می‌رسد تصمیم برای این حمله از درون سازمان غزه حماس گرفته شده است و رهبری خارجی این جنبش در آن مداخله‌ای نداشته است.

گفتن یک داستان متفاوت

از زمان آغاز جنگ، حماس همچنین یک راهبرد رسانه‌ای هماهنگ برای تاکید بر مرکزیت غزه در مبارزات فلسطینی را نیز به کار گرفته است. مهم‌ترین مساله توانایی این گروه برای برقراری ارتباط با دنیای خارج در طول جنگ بوده است. علی‌رغم قطع اینترنت غزه، بمباران شدید اسرائیل و تخریب زیرساخت‌های مخابراتی در سراسر این سرزمین، حماس به پخش اطلاعات از میدان جنگ ادامه داده است و به‌طور مداوم به ارائه ضد روایت‌های مطرح در گزارش‌های رسمی اسرائیل می‌پردازد. گردان‌های قسام و سازمان غزه حماس با انتشار تقریباً روزانه ویدئوهایی از اقدام تاک‌های اسرائیلی و ادعاهای چالش‌برانگیز درباره بیمارستان‌هاهایی که به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌شوند، ادعاهای اسرائیل را رد کرده و نفوذ خود بر پوشش رسانه‌های بین‌المللی از این جنگ را حفظ کرده‌اند. به نظر نمی‌رسد که رهبران مستقر در دوحه حماس در این کمپین اطلاعاتی که از غزه دیکته و هدایت می‌شود، دخالت داشته باشند. برخلاف ارتباطات حماس در جریان عملیات اسرب گداخته – حمله اسرائیل به غزه در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ – این رئیس دفتر سیاسی حماس نیست که در مورد رویدادهای میدانی از خارج از غزه اظهارنظر می‌کند بلکه اکنون یک رهبر نظامی – ابوعبیده – است که از خود غزه به روایت می‌پردازد. در واقع به‌طور فرآینده‌ای آشکار شده است که سنوار و بقیه رهبران حماس در غزه، به آن دسته از اعضای این جنبش که در دوحه و در مکانی راحت و مجلل و رها از درگیری زندگی می‌کنند، به دیده تحقیر می‌نگرند. از سوی دیگر، نمایندگان حماس در لبنان نقش مهمی در جنگ اطلاعاتی کنونی داشته‌اند. اسامه حمدان، رئیس سابق بخش روابط خارجی حماس و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های دفتر سیاسی، اکنون کنفرانس‌های مطبوعاتی منظمی را در بیروت برگزار کرده و روایت‌های اسرائیل از جنگ را به چالش می‌کشد. برخلاف دیگر شخصیت‌های حماس که بیم آن را داشتند که سنوار بیش از حد به گردان‌های قسام نزدیک باشد، حمدان همگرایی جناح‌های غیرنظامی و نظامی حماس را کاملاً طبیعی می‌دانست. او همچنین با دیدگاه سنوار موافق است که تنها استفاده از زور می‌تواند به آرمان فلسطین کمک کند (در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۱۷ با حمدان در بیروت انجام داد، او قیاسی را با رهبری خود اسرائیل انجام داد و خاطرنشان ساخت: «رهبران سیاسی اسرائیل، اعم از نتانیاو، رابین، باراک یا پز، همه قبل از اینکه مسئولیت‌های سیاسی را برعهده بگیرند، فرمانده جنگی بودند.»)

حمدان در اظهارات خود به دنبال آن بوده است که این جنگ را نه به‌عنوان نبرد حماس، بلکه به‌عنوان یک مبارزه عمومی برای آزادی فلسطین به تصویر بکشد و از بقیه جهان بخواهد که از فلسطینی‌ها در برابر آنچه که او از آن به‌عنوان «پروژه امپریالیست آمریکایی – صهیونیستی» یاد می‌کند حمایت کنند. به گفته وی، حمله ۷ اکتبر چندین دستاورد را برای فلسطینی‌ها به همراه داشته است: آزادی فلسطینی‌های زندانی در اسرائیل، کشاندن ارتش اسرائیل به یک وضعیت دشوار در روی زمین و تخلیه اجباری جمعیت اسرائیل از شهرهای شمالی هم‌مرز با لبنان و مناطق اطراف غزه. حمدان مدعی است که این مشکلات فرآینده ارتش اسرائیل در عملیات زمینی خود در غزه بود که



تل‌آویو را به توقف درگیری و آزادی اسرای فلسطینی در ازای رهاسازی برخی از گروگان‌های اسرائیلی واداشت. حمدان همچنین معتقد است که اسرائیل به این دلیل تصمیم گرفت عملیات نظامی خود را در ۲۴ نوامبر از سر بگیرد که در مرحله اول نبرد نتوانسته بود به اهداف خود دست یابد.

روایت حماس در رسانه‌های رسمی عربی، به‌ویژه در عربستان سعودی که به‌طور سنتی نسبت به این جنبش موضعی خصمانه دارد، بی‌چالش نمانده است اما اظهارات ابوعبیده و حمدان تاثیر قابل توجهی هم در فلسطین بزرگ و هم در میان جمعیت عرب کشورهای همسایه داشته است؛ جمعیتی که ممکن است برخی از آنها نسبت به قبل از جنگ احساس همبستگی بیشتری با این گروه داشته باشند. حماس با عملیات خود، نشان داده است که اسرائیل شکست‌ناپذیر نیست، دقیقاً برخلاف سازمان آزادی بخش فلسطین که بسیاری از فلسطینی‌ها احساس می‌کنند برای پیشبرد اهداف آنها کم‌کاری کرده است. حمله حماس حتی اگر هزینه بالایی هم داشته باشد، پروژه آزادسازی را برای فلسطینیان ملموس کرده و با تحریک اسرائیل به تهاجم ویرانگر و کشتار گسترده غیرنظامیان، توجه جهانی فوق‌العاده‌ای را به وحشیگری اشغالگران اسرائیلی و کنترل آن بر سرزمین‌های فلسطینی جلب کرده است. این نتایج احتمالاً پیامد‌های عمیقی برای آینده درگیری خواهد داشت.

در هفته‌های پس از آغاز حمله حماس، بیشتر توجهات بین‌المللی بر قتل عام بی‌سابقه غیرنظامیان اسرائیلی متمرکز شده بود اما آنچه که این حمله در مورد تغییرات استراتژیک در درون خود حماس و آشکارا کرد، بسیار کمتر توجه قرار گرفته است. عملیات ۷ اکتبر با وادار کردن اسرائیل به راه‌اندازی جنگی عظیم در غزه، درک غالب از غزه را به‌عنوان سرزمینی که از اشغال اسرائیل آزاد شده و وضعیت موجود آن به‌عنوان یک منطقه منزوی که می‌تواند برای مدت نامعلومی حفظ شود، برهم زد. علی‌رغم هزینه سنگین جنگ برای خود غزه، حماس به اهداف خود، از جمله قرار دادن غزه به‌عنوان یک قطعه کلیدی در مبارزات آزادی بخش فلسطین و رساندن این مبارزه به مرکز توجه بین‌المللی، رسیده است.

جنگ غزه همچنین سبب شده است تا این جنگ هم به برخی از تووم‌های اصلی تجارب تاریخی آنها افزوده شود. جابه‌جایی اجباری جمعیت غزه به انتهای جنوبی نوار ساحلی که توسط اسرائیل به‌عنوان یک اقدام بشردوستانه اضطراب‌زای ارائه می‌شود – و همچنین طرح‌هایی که در دولت نتانیاو برای جابه‌جایی اهالی غزه به صحرای سینا وجود دارد – سبب شده است تا وضعیت کنونی این منطقه در چهارچوب گسترده‌تر اخراج فلسطینی‌ها که از سال ۱۹۴۸ شروع شده است، معنا یابد. تلاش‌های کنونی برای جابه‌جایی یا حذف اهالی غزه بسیار مهم هستند زیرا بیشتر کسانی که مجبور به مهاجرت می‌شوند، از اعضای خانواده‌هایی که به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌شوند، ادعاهای اسرائیل را رد و چشیده‌اند. برای بسیاری از آنها – از جمله صدها هزار نفر که از ترک بخش شمالی نوار امتناع کرده‌اند – این وضعیت همان تکرار تحولات خشونت‌بار قبلی است و تنها راه برای جلوگیری از خطر «نکبت» دوم این است که علی‌رغم موج عظیم تخریب‌ها، همچنان در غزه باقی بمانند.

در شرایطی که غزه بار دیگر پس از پایان آتش‌بس هفت روزه زیر گلوله باران شدید قرار گرفته است، اسرائیل و ایالات متحده درباره سناریوهایی مختلف برای «روز بعد» گفت‌وگو می‌کنند. اگرچه این دو کشور در مورد بسیاری از موضوعات، از جمله امکان حاکمیت محمود عباس رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین بر غزه (که اسرائیل آن را رد می‌کند) اختلاف نظر دارند، اما هر دو درباره روشیدن کردن کامل حماس مصمم هستند اما خود این هدف ممکن است مبتنی بر درکی از سازمان باشد که واقعیت فعلی آن را در نظر نگرفته است. تاکنون، علی‌رغم یورش پنج هفته‌ای یکی از قدرتمندترین ارتش‌های جهان – که طی آن اکثریت قریب به اتفاق مردم غزه مجبور به ترک خانه‌های خود شده و بیش از هفده هزار نفر نیز کشته شده‌اند – حماس نشانه‌های اندکی از ریشه‌کنی را از خود نشان داده و حتی توانسته همچنان موجودیت خود را حفظ کند. این گروه همچنین استقلال خود را از رهبری خارجی سازمان و متحدان عرب خود و همچنین ایران که درباره حمله ۷ اکتبر به آن اطلاع نداده بود، اعلام کرده است. توانایی سازمان غزه برای باقی ماندن یک نیروی خود در حال حاضر، با رهبری بسیار ساختار یافته، حضور رسانه‌ای و شبکه‌ای از حمایت، تمام بحث‌های کنونی درباره حکومت آینده نوار غزه را زیر سوال می‌برد.

توانایی این سازمان برای حفظ خود به‌عنوان یک نیروی موثر حتی در شرایط حاضر، همراه با رهبری بسیار ساختار یافته، حضور رسانه‌ای و شبکه پشتیبانی قوی، تمام بحث‌های جاری درباره حکومت آینده نوار غزه را زیر سوال می‌برد. اسرائیل در مقطع کنونی و پس از ناکامی نیروهای نظامی خود در نیل به اهداف شان در غزه، عملیات‌هایش را در کرانه باختری از طریق حملات روزانه، دستگیری‌های دسته‌جمعی و سرکوب‌های گسترده افزایش داده است اما این اقدام نه‌تنها چشم‌انداز جنگ دو جبهه‌ای را پس از سال‌ها تلاش اسرائیل برای جداسازی اراضی اشغالی فلسطین از نوار غزه افزایش می‌دهد، بلکه ممکن است سبب شود تا ارتش اسرائیل به پیشبرد هدف حماس برای پیوند مجدد غزه با مبارزه گسترده‌تر برای آزادی فلسطین کمک کند.